

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیکست: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،
جامعه المصطفی العالمیه، قم.

فهرست مطالب

۷	واکاوی مفهوم واژه «قرآن» با دو رویکرد بیرون متنی و درون متنی
۲۳	ازدواج و تشکیل خانواده در ادیان اسلام و یهودیت
۴۳	بررسی شرایط و مبانی فقهی مسئولیت کیفری ومدنی طیب، در حقوق ایران و افغانستان.
۷۹	نقش مدیریت مشارکتی منابع آبی در توسعه پایدار دهات افغانستان
۱۰۵	کیفیت معاد و بقای نفس انسانی در فلسفه اسلامی با تاکید بر دیدگاه ملا صدرا
۱۳۷	عوامل جرایم مالی اطفال و راهکارهای مقابله با آن
۱۷۳	نقدی بر نظریه وحی نفسی از منظر عقل، قرآن و روانشناسی
۱۹۵	اندیشه ضد اسلامی برنارد لوئیس به عنوان نماینده شرق شناسان غربی
۲۱۷	مبارزه با استکبار و استقامت در مقابل ظلم با تاسی از مکتب عاشورا

سال چهارم، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۱۶

عوامل جرایم مالی اطفال و راهکارهای مقابله با آن

باز محمد صادقی^۱

چکیده

جرایم و تخلفات مالی اطفال امروزه یکی از مسایل مهم جوامع بشری است. این پژوهش، به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که: جرایم مالی اطفال چه عواملی دارد و راه‌های مقابله با آن چیست؟ روش انجام این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که: عوامل همچون مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی مثل ناسازگاری و نابسامانی‌های موجود در خانواده و نیز مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی مانند محیط طبیعی، محیط اقتصادی و محیط فرهنگی دست به دست هم می‌دهند تا یک طفل مرتکب جرایم مالی شود. بدون شک پیشگیری از بزهکاری اولویت اول در سیاست‌گذاری‌های جنایی همه کشورهای جهان است در این میان پیشگیری از بزهکاری اطفال در جرایم مالی اهمیت فوق العاده‌ای دارد. برای پیشگیری از جرایم مالی اطفال و نوجوانان پیشگیری تربیتی و اجتماعی توسط والدین و مربیان از طریق آماده ساختن محیط سالم و تأمین نیازهای مادی و معنوی اطفال بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

واژگان کلیدی: جرم، مال، طفل، پیشگیری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق (جزا و جرم‌شناسی)، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، رایانه:

۱. مقدمه

امروزه در میان انواع گوناگون بزهکاری، جرایم مالی به لحاظ حجم پرونده‌ها و خسارات هنگفت مالی در صدر فهرست بوده و سیر صعودی دارد. این نوع از جرایم با توجه به محیط زندگی مردم میزان و نوع آن در هر اجتماعی نسبت به اجتماع دیگر متفاوت می‌باشد، در این میان اطفال و نوجوانان با توجه به عوامل که در این تحقیق بیان شده است مرتکب جرایم مالی می‌شوند به طور کلی تعداد سرقت اطفال و نوجوانان نسبت به سایر جرایم به اندازه ای زیاد است که میتوان حتی جرایم اطفال و نوجوانان را به سرقت‌های ارتكابي آنان اختصاص داد («جرایم مالی») یعنی در اثر یک عمل مجرمانه خسارت مالی به شخص دیگر وارد می‌شود که در این میان شخص بزه‌دیده تمام یا بخشی از سرمایه و دارایی خودش را از دست می‌دهد؛ از همین جهت است که پیشگیری از جرایم و تخلفات مالی از مباحث مهم و چالشی در جامعه جرم‌شناسی محسوب می‌شود. با اینکه جلوگیری از جرایم مالی از دغدغه‌های جرم‌شناسان و حقوقدانان است اما در مورد شناخت عوامل جرایم مالی اطفال و راهکارهای پیشگیری از آن تا هنوز به صورت مشخص و منظم مورد بحث قرار نگرفته است. یکی از ویژگی‌های این تحقیق این است که به تبیین عوامل مؤثر در بزهکاری مالی اطفال و راهکارهای پیشگیری از آن پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۱-۲. جرم

جرم در لغت به معنای گناه (سیاح، ۱۳۶۷، ش، ۱۸۵) بزه، خطا، اثم، ذنب، معصیت، تعدی، عصیان، ناشایست و مانند آن آمده است. (دهخدا، ۱۳۵۲، ش، ۳۶۰/۱۶) جرم در اصل به معنای جدا کردن میوه از درخت است و این واژه برای اکتساب هر کار ناپسند استعاره گرفته شده است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ۱۹۲) همچنین گفته شده که جرم به معنای قطع است و گناه را بدان سبب جرم گویند که شخص را از سعادت و رحمت خدا قطع می‌کند و گناهکار را مجرم می‌گوئیم زیرا در اثر گناه، خود را از رحمت و

سعادت و راه صحیح انسانیت قطع می‌کند. (قرشی، ۱۳۶۱ ش، ۲/۲۸)

مفهوم اصطلاحی جرم از منظرهای مختلف قابل بررسی است. از نظر حقوقی جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که قانون‌گذار نسبت به آن اقدام به جرم‌انگاری نموده و برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته باشد. (میر خلیلی، ۱۳۹۴ ش، ۳۷)

به اعتقاد گروهی از حقوقدانان، جرم «فعل یا ترک فعلی است که از نظر خارجی به نظم، صلح و آرامش لطمه وارد می‌کند و قانون بدین دلیل با مجازات، ضمانت اجرا برای آن فراهم می‌سازد.» (نور بها، ۱۳۸۴ ش، ۱۳۶) گاروفالو که حقوق‌دان مشهوری است، تعریف خود را از جرم این‌گونه بیان می‌کند: «جرم عبارت از عملی است که خلاف نوعی از احساسات شرافتمندانه و خداپرستانه انجام شود.» (فیض، ۱۳۶۸ ش، ۱/۶۵) کارارا جرم را چنین تعریف می‌کند: «جرم تجاوز از حدود قوانین کشور است که به وسیله کسی انجام شود به شرطی که شخص مرتکب، مکلف یا مجاز به انجام آن نباشد، در ضمن برای آن تجاوز، مجازات تعیین شده باشد.» (فیض، همان)

۲-۲. مال

برخی از دانشمندان علم لغت مال را اینگونه تعریف نموده است: مال عبارت است از: «مجموعه چیزهایی که قابل مالکیت باشد، ثروت، دارایی، آنچه در تملک کسی باشد، پول، جنس، کالا و...» (انوری، ۱۳۸۱ ش، ۷، ۶۵۳۸-۶۵۳۹) نخست به طلا و نقره مال می‌گفتند و سپس به هر چیز «عینی ذخیره شدنی» و «تملک پذیر»، مال گفتند. (طریحی، ۱۴۱۶ق، ۵/۴۷۵) و در جای دیگر در تعریف مال آمده است: «هر آنچه در تصرف و در ید کسی باشد. خواسته و ثروت و دولت و توانگری.» (دهخدا، پیشین، ۸۲/۴۳) برخی دیگر مال را به این صورت تعریف کرده است: مال عبارت است از: «هر آنچه در ملک کسی باشد، آنچه ارزش مبادله داشته باشد، دارایی، خواسته، هر چیزی که انسان می‌تواند از آن استفاده کند و قابل تملک باشد. (معین، ۱۳۸۳ ش، ۳/۳۷۰۸) بعضی از دانشمندان علم لغت گفته‌اند: به هر آن چیزی که شایسته به مالکیت در آمدن و حیازت باشد مال گویند. به عبارت دیگر هر عین یا منفعتی را که انسان در عمل مالک شود، به آن مال گویند. (انصاری و دیگران، ۱۳۸۴

در اصطلاح مال عبارت است از: هر چیزی یا امری که میل و رغبت برای داشتن آن در برابر پول و یا ارزش دیگری وجود داشته باشد و ارزش دادوستد داشته باشد و در عین حال مشروع باشد (اسلام دادوستد آن را ممنوع نکرده باشد) را مال می نامند. (دشتی، ۱۳۹۶ش، ص ۵) برخی دیگر گفته اند: هر آن چیزی که به طور معمول احتمال حیات، احراز و انتفاع از آن وجود داشته باشد به آن مال گویند. یا به عبارت دیگر به هر آن عین یا منفعتی که دارای قیمت بوده و در صورت اتلاف، متلف مسئول [ضامن] باشد مال گویند. (انصاری و دیگران، همان) برخی تعریف مال را دشوار دانسته و ناگزیر به شمردن عناصر آن رو آورده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷ش، ۴/۳۱۲۶-۳۱۲۷)

۲-۳. طفل

طفل در لغت: به کسر طاء و سکون فاء به معنای کودک است. (انصاری و دیگران، پیشین، ۱۳۱۱/۲) برخی از اهل لغت طفل را به کودکان از زمان به دنیا آمدن تا به سن بلوغ نرسیده و محتمل نشده اند، اطلاق نموده است. «الطفل واحد الأطفال، و هو ما بین آن یولد إلی أن یحتلم.» (طریحی، ۱۴۱۶ق، ۵/۴۱۱) کلمه ی طفل، در لغت به معنای بچه، کودک، نوزاد و جمع آن اطفال است. (دهخدا، پیشین، ۳۳/۲۷۵ و معین، ۲/۲۲۲۸) طفل در لغت عرب به کودک نابالغ، نوزاد، فرزند نابالغ و فرزند تا وقتی کوچک است، معنا شده است. (مصطفی و دیگران، ۱۴۱۰ق، ۱/۵۶۰) بنابراین طفل معادل صغیر است و صغیر از ریشه صغر به کسر صاد و فتح عین به معنای کوچکی، خردی و کم سن و سال بودن است. (انصاری و دیگران، پیشین، ۲/۱۲۱۳)

اما مفهوم طفل در اصطلاح حقوقی، هر کشور و نظامی برای یک فرد انسان از زمان آغاز حیات تا زمان شروع بزرگ سالی واژه های متعددی را به کار می برند، از قبیل جنین، نوزاد، کودک، طفل، خردسال، طفل غیر ممیز، طفل ممیز که هر یک از آن ها با اینکه قلمرو مشترکی دارند ولی در عین حال مفاهیم مستقل و مراحل خاصی از سیر تکامل فرد انسانی را ترسیم می نمایند. بنابراین به کودک از زمان زاده شدن (ولادت/ به دنیا آمدن) تا زمانی که به سن بلوغ برسد، طفل گویند. (انصاری و دیگران،

همان) به طور کلی از نظر حقوقی، کودک کسی است که به رشد و نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. (عبادی، ۱۳۷۵ش، ۵)

۲-۴. پیشگیری

پیشگیری در لغت به معنای دفع، جلوگیری کردن، صیانت، پاسداری، ممانعت، جلو وقوع چیزی را گرفتن، هشدار دادن در باره وقوع چیزی و همچنین آگاه کردن و خبر چیزی را دادن است. همچنین گفته شده که پیشگیری عبارت است از مانع شدن از وقوع چیزی در آینده. (دهخدا، پیشین، ۷۳۳/۱۳ و انوری، پیشین، ۱۵۱۷/۲)

در اصطلاح پیشگیری عبارت است از انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، و به عبارت بهتر به مجموعه وسایل و ابزارهایی که دولت برای مهار بهتر بزهکاری مورد استفاده قرار داده و از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرمزا و یا اعمال مدیریت نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی که فرصت ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد پیشگیری گفته می‌شود، بنا بر این انواع تدابیر کیفی و غیر کیفی چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند.

عوامل افزایش جرایم مالی اطفال

جامعه شناسان جنائی، بر خلاف زیست شناسان جنائی، لوح ضمیر طفل را مثل آئینه پاک و شفاف می‌دانند که هر گونه نقش خوب و بد را در خود می‌پذیرد، آنها معتقدند که تنها استعداد شخصی برای ارتکاب جرم کافی نیست. بسیاری از افراد که ذاتاً آمادگی برای ارتکاب جرم را دارند در عین حال اگر در جامعه سالم رُشد و تربیت شوند مرتکب جرم نخواهند شد. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ش، ۱۹۹) طفل تحت تأثیر همه عواملی که در محیط اطراف او وجود دارد، رُشد می‌کند، همه عواطف، واکنشها، حالات مزاجی، مدرسه، معلم، معاشرت با دوستان و امور اجتماعی مختلف دیگر در تکوین شخصیت طفل مؤثر هستند. هرچند عوامل افزایش جرم فراوان بوده و قابل شمارش نیست. در اینجا سعی می‌شود تا مهمترین این عوامل را مورد بررسی قرار دهیم:

۳. مشکلات ناشی از وضعیت نابسامان خانوادگی

علل و عوامل درونی، وضعی و محیطی در تمام جرایم مشترک است اما در حوزه اطفال و نوجوانان عامل خانواده را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین موثر در ارتکاب جرم دانست. ناهنجاری‌ها و اختلالات خانوادگی اعم از جدایی پدر و مادر، فوت پدر، مادر یا هر دو، بد سرپرستی پدر، مادر یا هر دو، محل زندگی، محیط مدرسه و دوستان و همچنین وضعیت اقتصادی و درآمدی در ارتکاب جرایم اثر مستقیم دارند.

خانواده عبارت از یک واحد اجتماعی است که از ازدواج زن و مردی به وجود می‌آید و فرزندان آنها کامل کننده‌ی آن خواهند بود. (ساروخانی، ۱۳۷۰ ش، ۱۳۶) خانواده از نخستین نهاد عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندیهای حیاتی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد. خانواده در عین حال که کوچکترین واحد اجتماعی است، هسته اصلی جامعه و پایه و مبنای هر اجتماع بزرگ بوده و از مهمترین نهادهای اجتماعی موجود در جامعه انسانی است. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ ش، ۲۰۰)

اساساً افراد پس از تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده‌ی خود قرار دارند، لذا خانواده اولین محل و عاملی است که نسبت به رفتار و شخصیت انسان تأثیر می‌گذارد. مهر و محبت والدین، ثبات و آرامش محیط خانواده عاملی مهمی در تکامل شخصیت طفل است و می‌توان مهمترین عامل زیربنای شخصیت سالم باشد، برعکس، ناسازگاری، کشمکش و نزاع خانوادگی امنیت خاطر را از طفل سلب می‌کند و با اختلال در رشد و تکامل طبیعی طفل او را به طرف رفتارهای ناهنجار و ارتکاب جرایم به خصوص جرایم مالی مثل سرقت، آتش زدن و تخریب اموال عمومی و ایجاد خسارت مالی به دیگران سوق می‌دهد.

۳-۱. خانواده غیرمتعادل

ازدواج هسته ایجاد کننده خانواده است و چون خانواده عنصر اولیه ازدواج است، ترقی و پیشرفت یا انحطاط و تنزل و سقوط هر اجتماع وابسته به وضع و شرایط خانواده‌های تشکیل دهنده آن اجتماع می‌باشد. یکی از بزرگترین بدبختی برای هر

فرد تنهائی است چنانچه در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است، حضرت فرمود: «شَرَّارُ أُمَّتِي عَزَابُهَا؛ بدترین افراد امت من مجردها هستند.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۵۵/۱۴) ظاهراً برای هر فرد، در مرحله اول همدم پدر و مادر و در مرحله بعد همسر و فرزندان هستند.

اطفال نگرش‌های اجتماعی را از خانواده می‌آموزند و چنانچه یکی از والدین آلودگی داشته باشد، فرزندان آنها بیش از همه در معرض خطر آلودگی هستند. به عنوان مثال پدر و یا مادری که پای بند به مسائل حلال و حرام در زندگی نباشد و مال را از راه دزدی و کلاهبرداری به دست آورد، همین امر سبب می‌شود که قبح این قبیل اعمال نزد فرزندان از بین رفته و در صورت بروز شرایط مساعد، آنها به راحتی مرتکب جرایم مالی از جمله جرم سرقت شوند. به طور کلی اطفال بزهکار دارای والدینی هستند که یا بسیار خشن و سختگیر بوده و یا برعکس بسیار بی تفاوت و بی توجه به فرزندان خود می‌باشند. اکثر والدین اطفال بزهکار کم‌سواد یا بی سواد بوده و عده‌ی بی شماری از آنان بی کار و از لحاظ مالی و رفاهی در وضع نامطلوبی به سر می‌برند. (شامبیاتی، پیشین، ۲۰۵)

به طور کلی کیفیت زندگی خانوادگی یعنی احتمال وجود رابطه‌ای نزدیک و صمیمانه پدر و مادر مجرم با فرزندان، یا شرکت دادن اطفال در اعمال مجرمانه مثل اعتیاد و سرقت، بی عاطفه بودن والدین مجرم با فرزندان و یا داشتن اختلاف شدید بین پدر و مادر، می‌تواند در رفتار بزهکارانه طفل و حتی سوق دادن کودک به طرف اعمال مجرمانه تأثیر بسیار داشته باشد.

۲-۳. اعتیاد اعضای خانواده

اعتیاد تمام یا برخی از اعضای خانواده به مواد مخدر و یا مواد دیگر اعتیاد آور، می‌تواند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در کشاندن طفل به طرف سرقت و سایر جرایم مالی تأثیر زیادی داشته باشد. اساساً به لحاظ ارتباط و علائقی که بین اعضاء خانواده وجود دارد، چنانچه بعضی از آنها دارای آلودگی‌هایی باشند خواه و ناخواه به طور نسبی در بقیه‌ی خانواده نیز اثر گذاشته و به احتمال زیاد باعث آلودگی آنها نیز

خواهد شد، بر فرض که موجب آلودگی آنها نشود به احتمال زیاد وضعیت خانواده را تحت تأثیر قرار خواهد داد و چه بسا آنان را با عواقب ناگوار و غیر قابل جبران روبرو خواهد ساخت.

اطفال و نوجوانانی که ناخواسته بامشکلات ناشی از اعتیاد والدین خود در خانواده درگیر می‌شوند، در معرض ارتکاب انواع جرایم از جمله جرایم مالی و مخصوصاً جرم سرقت هستند و سرنوشتی چون گرفتار آمدن در رده کودکان و نوجوانان نابهنجار یا بزهکار در انتظار آنان است. وقتی مواد مخدر وارد واحد خانواده شده و مورد مصرف یا توزیع توسط یکی از ارکان خانواده قرار گیرد، سرنوشت فرزندان آن خانواده نیز به گونه‌ای نامطلوب رقم خواهد خورده و در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد. معمولاً پدران معتاد به مواد مخدر و یا توزیع کننده آن جهت حفظ رابطه خود با همسر و یا فرزندان و جلوگیری از فروپاشی خانواده، آنها را نیز به مشارکت در مصرف و توزیع مواد مخدر وادار می‌کنند. (شامبیاتی، پشین، ۲۰۷)

معمولاً والدین و افراد معتاد خانواده تنها به فکر تهیه مواد جهت رفع خماری خود بوده و مقدار زیادی از درآمد خود را صرف تهیه مواد می‌کنند و نسبت به فرزندان باقی اعضای خانواده خود بی تفاوت بوده و احساس مسئولیت در قبال رفع نیازهای مادی و روحی آنان نمی‌کنند. همین امر باعث می‌شود که طفل از تهیه مایحتاج اولیه زندگی خود محروم شود و به خاطر رفع نیاز و تهیه مایحتاج اولیه خود دست به سرقت و باقی جرایم مالی مثل کلاهبرداری و خیانت در امانت بزند.

۳-۳. غفلت و عدم کفایت خانواده در تربیت طفل

یکی از عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان غفلت پدر و مادر در تربیت فرزند خویش است. در بسیاری از خانواده‌ها والدین چندان در اندیشه تربیت و یا مراقبت از فرزندان خود نیستند به محض اینکه اطفال این قبیل خانواده‌ها به راه می‌افتند به حال خود رها می‌شوند و دیگر مراقبتی از آنان به عمل نمی‌آورند. این رهائی موجب تماس مستمر آن اطفال با افراد و اشخاص بیگانه و ناباب می‌شود و بر اساس سرمشق‌هایی که در این تماس به کودکان عرضه می‌شود سرانجام به طرف بزهکاری

و ارتکاب جرایم از جمله سرقت کشانده می شوند. (کی نیا، ۱۳۸۴ ش، ۱/ ۲۵۰ و ۲۵۱)

کودکی که از طرف پدر و مادر خود مورد غفلت واقع می شود در اثر تماس هائی که با افراد بیرون از محیط خانواده و اشخاص ناباب می گیرد به سمت آنان گرایش پیدا کرده و از رفتار جنائی آنان پیروی می نماید، غفلت والدین نسبت به تربیت فرزند در اغلب محله های فقیر نشین بیشتر از محله های که در آن طبقات متوسط زندگی می کنند به چشم می خورد. (کی نیا پیشین، ۲/ ۶۴۴) اگر پدر و مادر در تربیت فرزندان شان وقت لازم گذاشته و تلاش کنند و اصول اخلاقی را در روابط خانوادگی و رفتار با کودکان رعایت کنند دیگر راه و زمینه برای بزهکاری فرزندان شان در آینده باقی نخواهد ماند. متأسفانه خیلی از خانواده ها در تربیت و پرورش طفل آگاهی لازم را ندارند و یا اگر تحصیلاتی در این زمینه دارند از آن بهره نمی برند. (کی نیا، پیشین، ۲/ ۶۴۵)

۳-۴. ناسازگاری های موجود در خانواده

خانواده اولین محیط اجتماعی است که فرد در آن رشد می کند و هنجارها را می آموزد و در این فرایند نقش تعیین کننده ای بر سرنوشت اطفال دارد. فضای حاکم بر خانواده، نظیر اختلافات خانوادگی، طلاق والدین، وجود ناپدری و نامادری، فقدان فضای مسکونی مناسب، اعتیاد و... از جمله عوامل مؤثر در شکل گیری شخصیت کودک است. (عباسی، ۱۳۹۴ ش، ۱۱۳) محیط خانوادگی مخرب، تأثیر مهمی بر بزهکاری بخصوص جرایم و تخلفات مالی کودکان دارد. مطالعات نشان می دهد خانواده های دارای تضاد بین اعضا، خانواده های بی اعتنا نسبت به رفتار و مشکلات فرزندان خود و خانواده های مخرب و بزهکار که رفتار و کردار خود را به کودکان منتقل می سازند، رفتار بزهکارانه را تقویت می کنند. (معظمی، ۱۳۹۱ ش، ۲۱۸) بنابراین لازم است به چند مورد از ناسازگاری های موجود در خانواده را اشاره نموده و مورد بررسی قرار دهیم:

۳-۴-۱. اختلاف خانوادگی

اختلاف و ناسازگاری والدین و اطرافیان، آثار شومی بر روح و روان اطفال

می‌گذارد. طفل به خاطر عدم آرامش روانی، دائماً مضطرب و پریشان خاطر بوده و به تحصیل و کار خود بی‌علاقه می‌شود و از مدرسه فرار می‌کند، همین امر گاهی سبب می‌شود که از محیط خانواده نیز فرار نماید. حتی برخی از آنان به وادی فساد نیز کشانده شده و ممکن است دست به ارتکاب انواع جرایم از جمله مالی مثل سرقت و یا تخریب اموال دیگران بزنند. امروزه ثابت شده است که اطفال خردسال به محبت و سرپرستی پدر و مادر خود نیاز مبرم دارند. بدیهی است اگر طفل در خانه خود رنگ آرامش، صفا و صمیمیت را که بدان نیازمند است نبیند، ناچار است در کوچه و خیابان به جستجوی آن پردازد. در این حال چه بسا که چنین طفلی به دام شیطان صفتان افتاده و از راه راست منحرف شده و سرانجام گرفتار اعتیاد شود و برای تهیه مواد مصرفی خویش دست به سرقت مال دیگران و یا اموال عمومی بزند. مهمترین عامل بزهکاری که همواره بر آن تأکید می‌گردد، نقش خانواده است. گابریل تارد، دانشمند فرانسوی که ریاست اداره آمار کیفری وزارت فرانسه را به عهده داشت، در کتاب خود تحت عنوان «بزهکاری تطبیقی» می‌نویسد: «اکثر قاتلان و سارقان افرادی هستند که از دوره طفولیت از خانواده طرد شده و بدون حامی و هادی خود سر بار آمده‌اند و کوچه و خیابان برای آنان محل آموزش بزهکاری بوده است. (نجفی توانا، ۱۳۸۴ ش، ۶۳) به هر حال اختلاف و مشاجره، از هم پاشیدگی خانواده، عدم روابط نیک بین والدین و فرزند، فقدان نظم و تعادل در خانواده، سُست شدن عقاید مذهبی و اخلاقی و عدم احترام به شخصیت و آزادی نوجوان در بزهکاری اطفال و نوجوانان مانند سرقت و تخریب و ایجاد خسارت مالی به دیگران نقش مهمی دارد.

۳-۴-۲. عدم محبت کافی

یکی از نیازهای مهم و اساسی طفل برای رُشد جسمانی و روانی، برخورداری از محبت دیگران، بویژه والدین است، طفلی که از محبت پدر و مادر بر خور دار باشد در مواجهه با محیط، قدرت سازگاری بیشتری دارد و از احساس آرامش و امنیت خاطر بر خوردار بوده اعتماد به نفس در وی زیاد تر خواهد بود و در برابر کاستی‌ها،

مشکلات و نابسامانی‌های زندگی تحمل و استقامتش بیشتر است. روبرو شدن با بی‌مهری والدین در کودکی لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر طفل وارد می‌کند که سبب انحرافات اخلاقی و گرایش به سمت و سوی هم‌سن و سالانی که توان جایگزین دارند می‌شود و حس انتقام‌جویی از دیگران در وی تقویت می‌گردد. کمبود محبت غالباً یکی از عوامل بسیار قوی است که اطفال و نوجوانان را به سوی ارتکاب جرایم سوق می‌دهد. کودکی که در طفولیت با کمبود عشق روبه‌رو است، در بزرگی به انتقام‌جویی از اجتماع خواهد پرداخت. (مهدیخان، ۱۳۸۲، ش، ۲۳)

نکته مهم این است که روان‌شناسان و متخصصین جرایم اطفال که چندین هزار نمونه از جرایم را مورد بررسی قرار داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که بعضی از کودکان به علت این‌که در محیط خانواده مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی پدر و مادر خود قرار می‌گیرند، لذا به عنوان یک واکنش در قبال این کمبود محبت شروع به سرقت و یا آزار و اذیت و ضرب و جرح کوچکتر از خود می‌کنند. (عباسی، ۱۳۹۴، ش، ۱۲۴) جان‌بولبی روانشناس انگلیسی در سال ۱۹۴۵ میلادی چهل و چهار کودک دزد را با چهل و چهار کودک ناسازگار که دزد نبودند مقایسه کرد و در تحقیق خود به این نتیجه رسید که دزدی کودکان ناشی از نقص تربیتی مربوط به دوران شیرخوارگی و اختلالهای پیش‌رس مادر بوده است. (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ش، ۶۲۲/۲)

طفل باید مورد توجه، مهر و محبت والدین قرار بگیرد. اما در عین حال مهر و محبت و نوازش افراطی و بیش از اندازه مشکل‌آفرین بوده و طفل را ناسالم بار می‌آورد. این نکته‌ای است که هم به تجربه ثابت شده و هم مورد گوشزد بزرگان دین و ائمه معصومین (ع) قرار گرفته است، چنانچه امام محمد باقر (ع) در یک بیان نورانی فرموده است: «شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ؛ بدترین پدر و مادر کسانی هستند که در محبت ورزیدن به فرزندان، از حد اعتدال گذشته و زیاده روی می‌نمایند». (شیرازی، ۱۴۲۹ق، ۳/۳۸۳)

۳-۴-۳. عدم حضور والدین

وجود پدر و مادر و زندگی با فرزندان در روابط خانوادگی و جلوگیری از انحراف

و بزهکاری اطفال کاملاً مؤثر و حیاتی است. عدم حضور والدین به هر دلیلی مثل مرگ یکی از والدین یا هر دوی آنها یا طلاق و جدایی آنها و ترک خانواده، در روحیه‌ی اطفال و احتمالاً در ارتکاب جرم توسط اطفال فوق العاده مؤثر خواهد بود؛ زیرا اطفال در اثر فقدان پدر و مادر و محرومیت از دیدار و مهر و محبت آنها احساس رنج و حقارت می‌کنند که عکس العمل این ناراحتی‌ها بعداً به صورت عصبانیت، بد اخلاقی، تمرد از دستورات پدر یا مادر و دیگران و بالاخره در عدم انطباق اجتماعی و ارتکاب مطلق جرایم بخصوص جرایم مالی مانند سرقت، تخریب و آتش زدن اموال عمومی و اموال دیگران ظهور پیدا می‌کند.

ممکن است به خاطر فقدان پدر و مادر و یا یکی از آنها نیاز مادی طفل بر آورده نشود و تحت فشار اقتصادی قرار بگیرد و از طرفی دیگر مشاهده نمودن حیف و میل اطفال دیگران از امکانات رفاهی در زندگی‌شان او را وسوسه می‌کند تا دست به سرقت و جرایم مالی بزند. بیهوده نبوده است که دین مقدس اسلام آنهمه در مورد یتیمان سفارش کرده و به مسلمانان در باره اداره امور یتیمان به خاطر رُشد قوای روحی آنان و جلوگیری از ارتکاب جرایم سفارش نموده و تعلیمات کافی داده است. قرآن کریم در آیات متعدد در مورد احسان به یتیمان و رعایت حقوق و حفظ اموان آنان تأکید نموده است، مثلاً در آیه از قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ؛ و از تو درباره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: اصلاح کار آنان بهتر است.» (سوره بقره، آیه ۲۲۰) و در آیه دیگر از قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ؛ پس تو هم یتیم را هرگز میازار.» (سوره ضحی، آیه ۹)

پیامبر اکرم (ص) در مورد احسان و اکرام در حق یتیم می‌فرماید: «خَيْرُ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يُحْسَنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بُيُوتِكُمْ بَيْتٌ يَسَاءُ إِلَيْهِ؛ بهترین خانه‌های شما خانه‌ای است که در آن یتیمی مورد احسان باشد و بدترین خانه شما خانه‌ای است که در آن به یتیمی بدرفتاری شود.» (نوری، ۱۴۰۸، ۱/۴۷۴) و همچنین حضرت در مورد اشک یتیم فرموده است: «إِنَّ الْيَتِيمَ إِذَا بَكَى اهْتَزَّ لَهُ الْعَرْشُ...؛ هرگاه یتیم گریه می‌کند عرش خدا به لرزه در می‌آید....» (صدوق، ۱۴۰۶/۱۴۰۰) همچنین ده‌ها آیات قرآن کریم

و روایات ائمه معصومین (ع) نسبت به یتیمان بیانگر این است که آنها را باید مانند سایر فرزندان جامعه در آغوش پر مهر و عطوفت خانواده‌ها تربیت نموده و نیازهای مادی و معنوی آنها را تأمین کرد.

۳-۵. الگوپذیری

در سالهای اولیه زندگی که شخصیت طفل در حال رشد و تکامل است، نحوه رفتار، گفتار، کردار، اعمال و معاشرتهای پدر و مادر و سایر اطرافیان در پرورش و شکل گیری شخصیت کودک فوق العاده مؤثر است؛ زیرا انسان یک مقلد است و در تمام عمر کم یا بیش از دیگران تقلید می کند اما در سنین بین یک سالگی تا پنج شش سالگی بیشتر از این گزینه برخوردار می گردد. (امینی، ۱۳۶۸، ش، ۱۶۴) بنابراین پدر و مادر اولین و نزدیک ترین کسانی هستند که مورد تقلید کودکان خود قرار می گیرند و در واقع اولین کسانی هستند که الگو و سرمشق فرزندان خود می شوند. برخی از روان شناسان از جمله آلبرت بندورا در نظریه یاد گیری اجتماعی خود معتقدند که کودکان رفتار خود را بر اساس واکنش هایی که از جانب دیگران مشاهده می کنند، رفتار بزرگسالان که تماس نزدیک با آنها دارند به ویژه پدر و مادر و رفتاری که در تلویزیون و یا فیلم های سینمایی شاهد آن هستند شکل می دهند. (معظمی، ۱۳۹۱، ش، ۱۶۲)

بنابر نظریه یاد گیری اجتماعی، یادگیری افراد از طرق مشاهده، تقلید و مدل سازی انجام می شود و به طور ناخود آگاه در بسیاری از افراد یادگیری به صورت مثبت یا منفی انجام می گیرد، چنانچه این مسئله را خداوند در قرآن کریم بیان کرده است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و خدا شما را از شکمهای مادران تان بیرون آورد در حالی که هیچ چیزی نمی دانستید و به شما چشم و گوش و قلب اعطا کرد تا مگر دانا شوید و شکر این نعمت ها را بجا آورید.» (سوره نحل، آیه ۷۸)

افراد خانواده و اطرافیان غالباً برای طفل الگو می باشند و طفل تلاش می نماید اعمال و رفتار خود را با اعمال و رفتار آنان مطابقت دهد به نحوی که غالباً در محیط

خانوادگی مشاهده می‌شود که طفل عینک به چشم گذاشته و عصا به دست گرفته تقلید راه رفتن پدر بزرگ را می‌کند و یا در موقع نماز سجاده پهن کرده تقلید نماز خواندن پدر یا مادر را می‌کند. حال در برابر چنین رفتار فطری و طبیعی طفل، برخورد مناسب و حساب شده صورت نگیرد و طفل ببیند که هر دو و یا یکی از پدر و مادرش نسبت به مالکیت مال دیگران احترام قائل نیست و دست به سرقت مال دیگران می‌زند و یا شاهد کلاهبرداری والدین از دیگران و یا شاهد خیانت در امانت از جانب پدر و مادرش باشد ممکن است از طریق یادگیری به این نتیجه و باور برسد که این گونه رفتار، پسندیده و مفید است و کم دست به ارتکاب چنین جرایم بزند.

۴. مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی

ممکن است بزهکاری اطفال به خصوص جرایم و تخلفات مالی ناشی از عوامل اجتماعی باشد. محیط از لحاظ کمی به محیط‌های کوچک و بزرگ و از لحاظ کیفی به محیط‌های طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره تقسیم می‌شود. آنچه در این قسمت تحت عنوان محیط اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، محیط طبیعی، فرهنگی و اقتصادی است که ذیلاً به آن می‌پردازیم:

۴-۱. محیط طبیعی

مراد از محیط طبیعی، محیط خارجی ای است که انسان در آن زندگی می‌کند و می‌تواند به نحوی در بزهکاری افراد مؤثر واقع شود. این عامل بزهکاری برای اولین بار مورد توجه «بقراط» (حکیم و طبیب یونان باستان) قرار گرفت. این دانشمند بزرگ به پزشکان توصیه نموده بود که در مورد وضع اقلیمی، فصول و باد و هوا بررسی کنند. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ش، ۲۳۶) «ساترلند» (جامعه شناس و جرم شناس آمریکایی، نیز بحث مشابهی در این زمینه نموده و می‌نویسد: قرن‌هاست بعضی از مکاتب تلاش کرده‌اند عوامل طبیعی رفتار مجرمانه را کشف و ارائه نمایند، نتایج آنان حاکی از آن است که جرایم علیه اموال در ماه‌های زمستان بیش از فصول دیگر نشان می‌دهد و جرایم علیه اشخاص بیشتر در ماه‌های تابستان اتفاق می‌افتد. جرایم علیه اموال با توجه به دوری و نزدیکی به خط استوا کم و زیاد می‌شود، یعنی افراد به هر نسبتی که به خط استوا نزدیک باشند به همان اندازه مرتکب جرایم علیه اموال می‌شوند و بالعکس... همچنین گفته شده است میزان

جرایم بستگی به فشار هوا و مسیر باد دارد. (شامبیاتی، همان)

این عقاید در مورد بزهکار اطفال و نوجوانان پذیرفته نیست؛ چرا که جرایم بر ضد اموال بالاخص سرقت که رقم بزرگ بزهکاری را تشکیل می دهد ممکن است در کلیه فصول سال متفاوت باشد. مثلاً جرایم جنسی بیشتر در اواخر بهار و اوائل تابستان - ختم امتحانات و شروع تعطیلات - و جرایم علیه اشخاص با تشکیل باند در تابستان بیشتر از فصول دیگر ارتکاب می یابد. (عباسی، ۱۳۹۴ش، ۱۲۶) بنابراین نمی توان با قطع و یقین حکم کرد که تغییرات جوّی و فصول مختلف در کاهش و افزایش بزهکاری اطفال تأثیر گذار می باشد.

۲-۴. محیط فرهنگی

منظور از محیط فرهنگی در جرم شناسی کلیه جنبه های فرهنگی هر اجتماع اعم از آداب، رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و نیز مؤسسات مربوط به تعلیم و تربیت است که به نحوی از انحاء شخصیت اطفال و نوجوانان را تحت تأثیر قرار داده و عامل مؤثری در میزان بزهکاری آنان محسوب می شود. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ش، ۲۳۱)

با توجه به تقلید و الگو پذیری اطفال تأثیر فرهنگ، عادات و رسوم نادرست بین اعضای خانواده می تواند به یکی از بسترهای مهم بزهکاری اطفال منجر شود. دیدگاه های غلط مبتنی بر توجه جنسیت نوجوانان و آموزش ارتکاب خشونت در مقابل هم، نگاه برتر و تبعیض آمیز به فرزند پسر نسبت به دختر، کودک آزاری توسط اعضای بزرگ خانواده و آسیب های جسمی و روحی از طرف اعضای خانواده به همدیگر تأثیر منفی گذاشته و ممکن است سبب فرار طفل و نوجوان از خانواده و گرایش به سمت گروه های همسالان و منجر به تبهکاری و تخریب اموال عمومی و خصوصی شود. طبق آمار ۵۱٪ از کودکان و نوجوانان که در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شوند، سابقه مردودی و اخراج از مدرسه داشته اند. ماسن («masen») بیان می کند که آن دسته از نوجوانان که از مدرسه رانده می شوند، برای بدست آوردن جایگاهی در میان همسالان به سمت بزهکاری گرایش پیدا می کنند. (مرادی، ۱۳۸۷ش)

آنچه مسلم است آموزش و پرورش در ارتقاء سطح آگاهی و فکری افراد کاملاً مؤثر است، محیط تحصیلی در تکامل شخصیت اطفال نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌نماید؛ زیرا محیط تحصیلی اولین محیط اجتماعی است که اطفال بعد از محیط خانواده وارد شده و با زندگی دسته جمعی که از گروه‌های مختلف نژادی، منطقه‌ای و مذهبی اجتماعی تشکیل شده است آشنا می‌شوند. مریدان نباید خود را فقط موظف به اجرای برنامه‌های آموزشی بدانند، بلکه رسیدگی به وضع روانی و عاطفی اطفال و نوجوانان با ایجاد روابط انسانی، رعایت اصول اخلاقی و مبانی مذهبی، آموزش تعاون و همکاری و سازش با دیگران از وظایف حتمی و اصلی آنان محسوب می‌شود. اطفال و نوجوانان از مریدان خود به منزله پدر و مادر انتظار محبت و عطوفت را دارند، مهر و محبت مریدان نسبت به دانش آموزان، حس نوع دوستی و حسن تفاهم و همدردی با دیگران را در وجود آنها تقویت می‌نماید. (دانش، ۱۳۸۱، ش، ۳۱۶)

تبعیض و بی‌عدالتی مریدان نسبت به دانش آموز در امور تحصیلی و دادن نمره، تویخ و سرزنش بی مورد طفل در حضور دیگران باعث دلسردی آنان از تحصیل شده حس بدبینی را نسبت به محیط تحصیل و اجتماعی تقویت نموده و موجب نفرت از مریدان می‌شود، عدم رضایت از محیط تحصیل تحت تأثیر عوامل جسمی و روانی یا محیط خانوادگی و یا وضع تحصیلی منجر به بی‌انضباطی، تمرد و سرکشی، پرخاشگری، بدرفتاری، بی‌اعتنایی به مقررات و قوانین، ایجاد ضرر و زیان و بالاخره فرار از محیط تحصیل سپس فرار از محیط خانواده و ولگردی می‌شود که بروز حالت خطر ناک محسوب می‌گردد. (شامبیاتی، ۱۳۸۳، ش، ۳۱۸)

۳-۴. محیط اقتصادی

یکی از عواملی که جرم‌شناسان توجه خاصی به آن نموده‌اند و ممکن است در بزهکاری اطفال علیه اموال مؤثر واقع شود عامل اقتصادی است. جرم‌شناسان در اصل موضوع که عامل اقتصادی در بزهکاری مؤثر است اتفاق نظر دارند، اگر اختلافی در برخی موارد وجود دارد ناشی از نحوه تأثیر جنبه‌های مختلف این عامل قوی است. افلاطون می‌گوید: «فقر و ثروت سبب نابودی کشورها می‌شود. فقر

احساسات را از بین برده و حس کینه توزی، انتقام جویی، بدبینی و حسد را تشدید می‌کند. کثرت ثروت نیز، مبانی اخلاقی را سست نموده و سبب تبلی، بی‌قیدی، غرور و بی‌اعتنایی نسبت به دیگران می‌گردد و کشور را به فنا و نا بودی می‌کشاند؛ زیرا تقوای واقعی و ثروتهای کلان و هنگفت، مانعة‌الجمع هستند. (دانش، ۱۳۸۱ش، ۳۴۳)

فقر از عوامل اصلی ایجاد بزهکاری مالی است. کمبود امکانات نظیر خوراک، پوشاک و امکانات رفاهی و بهداشتی و مسکن باعث می‌شود نیازهای اشخاص بر طرف نشده و موجب تحریک و ترغیب آن‌ها به ارتکاب جرایم مختلف از جمله جرم سرقت برای تأمین نیازهای اولیه و تخریب اموال دیگران از باب کینه و انتقام‌جویی شود. فرزندان خانواده فقیر برای تحصیل و سایل آسایشی و رفاهی که می‌بینند دیگران دارند ولی او به خاطر فقر و درآمد کمی خانواده از آن محروم است، احساس نوعی نیاز می‌کند و ممکن است دست به ارتکاب جرم بزند. (شامیاتی، ۱۳۸۳ش، ۲۳۹) در چنین شرایطی برخی از خانواده‌ها از کودکان خود برای ارتکاب جرمی همچون سرقت استفاده می‌کنند و یا با وادار کردن فرزندان‌شان به تکدی‌گری آنها را وسیله‌ای برای امرار معاش قرار می‌دهند. معضل فقر از عمده‌ترین علل گرایش افراد و خصوصاً کودکان می‌باشد. (عباسی، ۱۳۹۴ش، ۱۲۷)

شخص فقیر می‌بیند که دیگران از همه‌ی امکانات و تنعمات زندگی برخوردار هستند ولی او به خاطر فقر از ابتدائی‌ترین وسیله‌ی امرار معاش محروم است، سرانجام حس کینه و نفرت در او شعله‌ور شده و دست به آتش زدن و یا تخریب اموال مردم و یا اموال عمومی می‌زند، چرا که خود گرفتار فقر بوده و می‌خواهد دیگران نیز به مانند او گردند، یا دست به سرقت می‌زند تا خود را هم سطح دیگران ساخته و از امکانات رفاهی و بهداشتی مثل دیگران بهره‌مند شود. (شامیاتی، پیشین، ۲۳۹) البته این کلیت ندارد، هستند کسانی که در عین حالی که به شدت با فقر دست و پنجه‌نرم می‌کنند همواره زندگی شرافتمندانه‌ای داشته‌اند و فرزندان صالح، سالم و باسواد تربیت کرده و تحویل جامعه داده‌اند.

۴-۴. دوستان ناباب

نقش دوستان در تأثیرگذاری بر شخصیت افراد و هدایت یا انحراف آنان پس از خانه و مدرسه غیر قابل انکار است. چنانچه پیامبر مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ؛ هر انسانی بر شیوه و طریق دوست و رفیق خود زندگی می‌کند.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲، ۳۷۵) و در روایت دیگر از امام صادق (ع) چنین نقل شده است «لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تَجَالِسُوهُمْ، فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ؛ همنشینی با افراد منحرف، موجب می‌شود که مردم شما را یکی از آنان به شمار آورند.» (کلینی، پیشین، ۴، ۶۹۵)

متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها، پدر و مادر چندان به فکر مراقبت از فرزندان‌شان نیستند و به محض اینکه اطفال این قبیل خانواده‌ها به راه می‌افتند، به حال خود رها می‌شوند و دیگر مراقب افرادی که با فرزندان‌شان معاشرت می‌کنند نیستند. این رهایی ممکن است سرانجام موجب تماس با اشخاص منحرف و ناباب شود. این در حالی است که خود بزهکاران نوجوان و جوان عمدتاً دوستان ناباب را از عوامل مؤثر بر گرایش به بزهکاری و ارتکاب جرایم معرفی می‌کنند. در یک پژوهش ۵۰ درصد بزهکاران اظهار کرده‌اند که دوستان ایشان توسط پلیس دستگیر شده‌اند و نیز حدود ۴۷ درصد از آنان، تیپ دوستانشان نوعاً افراد خلاف کار بوده‌اند. ۵/۸۷ درصد از آنان نیز اظهار کرده‌اند که دوستان ناباب نقش زیادی در سارق شدن افراد دارند و ۵۳ درصد از همین افراد اظهار کرده‌اند که به خاطر توجه دوستانشان دست به سرقت زده‌اند. (فولادی، ۱۳۸۲ ش، ۱۶۷)

۴-۵. مهاجرت

تعریف مهاجرت از نظر حقوقی و جامعه‌شناسی متفاوت است. از نظر حقوقی، به شخصی که موطن اصلی خویش را ترک و در کشور دیگری به طور دائم مقیم گردد «مهاجر» اطلاق می‌شود، در حالی که از نظر جامعه‌شناسی، مهاجرت جابجایی و انتقال افراد از زادگاه خود به شهر و یا منطقه و کشور دیگری است. (دانش، ۱۳۸۱ ش، ۳۳۴) به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان جنایی یکی از عوامل بزهکاری اطفال و

نوجوانان مهاجرت و ترک محل تولد است؛ زیرا با ترک محیط خاص که با آداب و رسوم و اصول اخلاق آن پرورش یافته و ورود به محیط دیگری که اصول و آداب خاصی در آن حاکم است، ممکن است شخص با عدم انطباق خود با محیط جدید مرتکب اعمالی شود که قابل مجازات است. ارتکاب جرایم در نقاط توسعه یافته و پیشرفته و در آنجائی که کار بیشتر است، آمار جرایم بالا تر از مناطق روستائی و شهرهای توسعه نیافته می باشد. چرا که یکسان بودن جمعیت در روستاها، کم جنب و جوش بودن اهالی، جمعیت کم و شانس کم در جهت اخفاء و جرایم از جمله عوامل است که در کاهش ارتکاب جرایم در روستاها اثر قطعی دارد. (مظلومان، ۱۳۵۳ ش، ۳۵۹)

اطفال و نوجوانان مهاجرین به سرنوشت غم انگیز و حزن آوری دچارند. افراد بومی به نظر حقارت به آنان می نگرند. وضع اسفبار مسکن مهاجرین، فقدان عاطفه و همدردی، مشکل سازش با آداب و رسوم محیط جدید، عدم آشنایی به قوانین و مقررات محل اقامت و از همه مهمتر تضاد فرهنگها و مذاهب مختلف، ندانستن زبان که مهاجرین نمی توانند مکنونات قلبی خود را بیان نمایند، منجر به عدم انطباق اجتماعی می گردد. (دانش، پیشین، ۳۴۰) این عدم انطباق اجتماعی ممکن است گاهاً منجر به بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرایم بخصوص جرایم و تخلفات مالی گردد، نوع جرایم ارتكابی اطفال مهاجرین بیشتر سرقت است. (دانش، پیشین، ۳۴۲) از طرف دیگر مجرمین حرفه‌ای غالباً با استفاده از ساده لوحی و بی تجربگی اطفال و نوجوانان روستائی و مهاجرین در محیط کار، میادین کاریابی، چهارراه‌ها، صف سینماها و غیره با ابراز همدردی و طرح دوستی، آنان را به طرف ارتکاب جرایم مختلف، از جمله سرقت، اعتیاد و توزیع مواد مخدر می کشانند.

۵. عوامل باز دارنده جرایم مالی اطفال

بسیاری از سارقین عمل مجرمانه سرقت را از دوران کودکی شروع می کنند، مهمترین اقدامات پیشگیری، اصلاح و تربیت باید از سنین رُشد آغاز گردد. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ش، ۱۴۴) ابراز علاقه و محبت، احترام و حفظ شخصیت، پرهیز از تنبیه و

سرزنش، تبعیض و تحقیر اطفال و نوجوانان از مهمترین اقدامات و عوامل پیشگیری از جرایم و تخلفات مالی اطفال است. در ادامه مهمترین اقدامات و عوامل باز دارنده را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۵. نقش خانواده در باز دارندگی از جرایم مالی اطفال

یکی از عوامل شکل گیری شخصیت، جامعه پذیری و تداوم سلامت روانی و رفتاری انسان در طول زندگی، خانواده است. کانون خانواده آموزشگاه مقدس محبت است. با محبت والدین شایسته و نیکوکار، همه احساسات و عواطف عالی در نهاد طفل شکفته می‌شود. انسان اولین بار تجربه روابط اجتماعی را در محیط خانواده کسب می‌کند، خانواده، اولین، مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مکانی است که انسان در آن رشد کرده و پایه‌های اولیه شخصیت وی در آنجا شکل می‌گیرد، هر آنچه را که انسان در محیط خانواده می‌آموزد تا آخر عمر همراهش باقی می‌ماند. (محسنی ۱۳۹۴ش، ۳۲۰) پدر و مادر از مهم‌ترین افرادی هستند که با تربیت صحیح، زمینه جامعه‌پذیری انسان و تبعیت از هنجارها و قواعد آموخته را فراهم می‌نمایند، یا به تعبیر دیگر، خانواده در عین حال که کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، هسته اصلی جامعه، مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ است. (کی‌نیا، ۱۳۸۴ش، ۲، ۵۹۹)

خانواده، طفل را برای قبول مسئولیت در جامعه آماده می‌نماید. لازمه این آماده سازی، آموزش و جهت دهی صحیح به افکار و اعمال فرزندان و ایجاد مصونیت در برابر انحرافات است. مهم‌ترین تدابیر لازم برای انتخاب الگوهای صحیح و هنجار پذیری عبارت‌اند از پرهیز از نزاع و کشمکش و ابراز علاقه و محبت نسبت به فرزندان، به نحوی که خود را در تعامل با والدین بدانند، ایجاد حس اعتماد به نفس، احترام و حفظ شخصیت، تأمین نیازهای مادی و معنوی و اهتمام به تحصیل فرزندان را می‌توان گفت از مهمترین اقدامات و عوامل باز دارنده اطفال از بزهکاری بخصوص جرایم مالی است.

۱-۱-۵. ابراز علاقه و محبت به طفل

یکی از عوامل بسیار مهم و با ارزش در تربیت اطفال و نوجوان محبت و دوستی

کافی نیست، بلکه طفل آثار مهر و محبت را در رفتار و گفتار پدر و مادر مشاهده نماید؛ بنابراین لازم است به گونه‌ای رفتار شود که طفل این محبت را با تمام وجود احساس کند و نیز در گفتار بشنود، پیامبر مکرم اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمَهُ؛ هر یک از شما دوست یا برادر دینی‌اش را دوست بدارد، پس باید به او اعلام کند.» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲، ۵۵) طبق نظر روانشناسان، منشأ بسیاری از تند خویی‌ها، خشونت‌ها، لجبازی‌ها، بدبینی‌ها و زور گویی‌ها، محرومیت از محبت است. کسی که از محبت محروم مانده، ممکن است دست به دزدی و قتل نفس بزند تا از اجتماعی که او را دوست ندارد، انتقام بگیرد، حتی ممکن است خود کشی کند تا از وحشت و تنهایی محبوب نبودن نجات یابد. اکثر بزه‌کاران، از همین قبیل افراد محروم و عقده دار بوده‌اند. (حسینی، ۱۳۸۲ش، ۲۳) البته این نکته را نباید فراموش کرد که تأکید بر محبت به معنای افراط و زیاده روی در آن نیست.

۵-۱-۲. ایجاد حس اعتماد به نفس

یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت اطفال و نوجوانان ایجاد و پرورش اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس یکی از بهترین هدیه‌هایی است که والدین به فرزندشان می‌دهند. اعتماد به نفس می‌تواند بستر شکوفایی‌های طفل و نوجوان را در ابعاد مختلف زندگی فراهم کرده و باعث می‌شود یک انسان موفق در اجتماع ظاهر شود و مشکلات خود را بادرست خود حل کرده و چشم امید به حمایت دیگران نداشته باشد.

اعتماد به نفس می‌تواند فرد را در برابر مشکلات زندگی صبور و مقاوم به بار آورد. اگر شخص اعتماد به نفس نداشته باشد از نظر فکری و روحی فلج شده و ناتوان است و نمی‌تواند از استعدادهایی که در وجودش نهفته است به خوبی استفاده نماید. اگر طفل و نوجوان در یک مرحله از تحصیل به هر دلیلی اعتماد به نفس خود را از دست بدهد، به تدریج ضعیف‌تر شده و چه بسا توانائی ادامه تحصیل را از دست بدهد. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ش، ۱۴۴) عکس العمل پدر و مادر در ایجاد و تقویت حس

اعتماد به نفس اطفال شان فوق العاده مؤثر است؛ لذا پدر و مادر باید تلاش نمایند تا با توجه به نقاط مثبت و امتیازات فرزندشان زمینه‌های لازم و ضروری تقویت اعتماد به نفس او را فراهم نمایند تا فرزندشان در برابر مشکلات زندگی خویش صبر و استقامت از خود نشان داده و برای حل مشکلات تلاش نماید.

اما اگر پدر و مادر همواره سرزنش نموده و الفاظ زشت و رکیک استفاده نمایند، به دست خود بذر ناتوانی و زبونی را در روح و روان طفل شان پاشیده‌اند، در این صورت ممکن است فرزندشان در برابر کوچکترین مشکلات از خود عجز و ناتوانی نشان داده و دست از ادامه تحصیل و پیشرفت بردارد و سر انجام منجر به حالت خطر ناک و ارتکاب جرایم مختلف از جمله جرایم مالی گردد. اعمال تحقیر، توهین، تحمیل فشار بیش از حد توان فکری، فیزیکی و توقع بیش از توان و استعداد طفل نه تنها باعث رشد و پیشرفت طفل نمی‌شود بلکه سبب شکست و سر خوردگی طفل و نوجوان می‌شود. (رحمانی، ۱۳۹۴ش، ۲۵۳)

۵-۱-۳. احترام و حفظ شخصیت طفل

یکی از مهمترین راه‌های تربیت فرزند احترام گذاشتن و حفظ شخصیت طفل است. رفتار محترمانه با طفل سبب خود باوری و اعتماد به نفس وی شده و او را برای شکوفا کردن استعداد و توانایی‌هایش کمک می‌کند. طفل دوست دارد شخصیتش مورد توجه و احترام قرار بگیرد، از این جهت است که همواره تلاش می‌کند تا به صورت‌های مختلف ابراز شخصیت نماید.

پیامبر گرامی اسلام (ص) احترام به کودکان را یکی از اسباب مغفرت والدین بیان نموده و می‌فرماید: «اَكْرِمُوا اولادَكُمْ وَ احْسِنُوا آدابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ؛ فرزندان خویش را احترام و تکریم نموده و آنها را خوب تربیت نمایید تا مورد مغفرت و بخشش واقع شوید.» (نجف‌آبادی، ۱۴۲۷ق، ۳۵۵) احساس شخصیت اخلاقی در وجود انسان همانند سدّی درونی مانع دست زدن به اعمال خلاف می‌شود و انسان را از درون کنترل کرده و از زشتی‌ها باز می‌دارد. این احساس باعث می‌شود انسان احساس بزرگی و کرامت در خود نموده و جرأت کشیده شدن به سمت زشتی‌ها را نداشته باشد

و اگر روزی مرتکب خلاف شد تلاش می‌کند آن‌را از دید دیگران پنهان سازد تا خوار و بی‌مقدار نشود. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ش، ۲۶۷)

برای اصلاح معایب و حسن تربیت فرزند باید از روش‌های غیر مستقیم استفاده کنیم؛ زیرا در روش غیر مستقیم مخاطب احساس حقارت نمی‌کند و پیام را بدون مقاومت می‌پذیرد و اگر قرار شد موعظه و نصیحت کنیم نباید در حضور دیگران و هم‌سن و سالانش باشد، چنانچه امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است: «النُّصْحُ بَيْنَ الْمَلَائِقَةِ تَقْرِيحٌ؛ نصیحت کردن در حضور دیگران، خُرد کردن شخصیت است.» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۰، ۳۴۱) در یک بیان نورانی دیگر امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ؛ هرکس برادر (دینی) خود را پنهانی موعظه کند، او را آراسته و اگر آشکارا (جلو چشم دیگران) نصیحتش نماید ارزش او را کاسته است.» (کراجکی، ۱۴۱۰ ق، ۱، ۹۳)

طفل باید احساس کند که شما او را همتای خود به حساب می‌آورید تا در یک احساس متقابل به راهنمایی‌ها و گفته‌های شما فکر کند و به آن معتقد شود. (حسینی، ۱۳۸۲ش، ۶۴) در این صورت است که اطفال و نوجوانان احساس شخصیت کرده و کانون گرم خانواده را برایش مایه آرامش و آسایش می‌دانند و پدر و مادر را به عنوان تکیه‌گاه خود دانسته و موعظه و نصیحت آنها را به عنوان چراغ راه سعادت و خوش بختی خویش می‌دانند؛ لذا در صورت ارتکاب بزهکاری و ناهنجاری با کوچکترین تذکر والدین دست از تکرار آن بر می‌دارند.

۵-۱-۴. تأمین نیازهای مادی و اساسی طفل

یکی از چیزهایی که در بزهکاری اطفال مخصوصاً جرایم مالی نقش اساسی دارد کاستی‌هایی است که طفل در زندگی روزمره‌اش احساس می‌کند. اگر طفل احساس کند که نیازهای مادی و معنویش به میزان کودکان همسالان و هم‌کلاسی‌هایش بر آورده نمی‌شود، نوعی ناهنجاری و ستیزه‌جویی در او به وجود خواهد آمد. (شامبیاتی، ۱۳۸۳ش، ۲۷۳)

طفل و نوجوان خانواده فقیر می‌بیند که در مدرسه همکلاسان و فرزندان دیگران

از همه امکانات رفاهی، بهداشتی، تغذیه، پوشاک و تفریحات مناسب در زندگی برخوردار هستند ولی او به خاطر فقر و در آمد قلیل خانواده از همه آنها محروم است، احساس نوعی نیاز کاستی در زندگی اش می کند ممکن است دست به سرقت بزند تا از این راه نیاز مندی های خویش را تأمین نموده و خود را هم سطح دیگران سازد و یا درس و ادامه تحصیل را کنار گذاشته و در جامعه دست به هرکاری بزند و یا در استعمار اهداف نامشروع دیگران قرار بگیرد.

بیکاری، نداشتن فعالیت و تحرک، نداشتن سرگرمی هائی که توجه و علاقه ی طفل را به خود جلب کند، از عوامل ایجاد انحراف و بزهکاری است؛ لذا هر خانواده به تناسب امکانات و وضعیت اقتصادی خود زمینه اشتغال و سرگرمی های مفید را برای اطفال شان در اوقات فراغت در نظر بگیرند تا هم از مفاسد بیکاری و بطالت در امان باشند و هم مهارت های مفید را که به درد زندگی آینده آنها می خورد فراگیرند. (شامبیاتی، پیشین، ۲۷۵)

پدر و مادر به عنوان مؤثرترین افراد زندگی اطفال نقش مهم و اساسی در محافظت از فرزندان شان را دارند؛ لذا با تأمین نیازهای اساسی، ایجاد فضای امن، قانون گذاری و نظارت مناسب، می توانند به خوبی اطفال را از رفتارهای مشکل ساز و بزهکاری از جمله سرقت و مصرف مواد مخدر نگهداری و محافظت نمود.

۵-۱-۵. وفای به عهد نسبت به اطفال

شیوه تعامل والدین با فرزندان، یکی از مهم ترین مؤلفه های تربیت صحیح آنان به ویژه در سالهای نخستین عمر کودکان است. یکی از مسائلی که در تربیت اجتماعی و اخلاقی فرزندان فوق العاده اثر بخش است، میزان وفاداری پدر و مادر به وعده هایی است که به بچه های خود می دهند. این نکته مورد توجه و تأکید بسیاری از اندیشمندان تربیتی از مکاتب مختلف است. (اعرافی، ۱۳۹۵، ش، ۳۴۹)

علمای اخلاق معتقدند که این خصیصه، یکی از بزرگ ترین سجایای اخلاقی انسان است و در معارف اسلامی از آن به عنوان یکی از علامات مؤمنان معرفی شده است، امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید: «إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا

صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ...؛ همانا دین داران را نشانه‌هایی است که با آنها شناخته می‌شوند: راستگویی، امانتداری، پایبندی به عهد و پیمان و... «(طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۳۸) و در جای دیگر حضرت وفای به عهد را به عنوان یکی از نشان‌های اهل تقوی بیان کرده و می‌فرماید: «إِنَّ لِأَهْلِ التَّقْوَى عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَ الْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ...؛ همانا برای تقوایی‌گان نشانه‌هایی است که با آنها شناخته می‌شوند: راستگویی، امانتداری، وفای به عهد و...» (عباشی، ۱۳۸۰ق، ۲/۲۱۳)

وفای به عهد و عمل به وعده یکی از صفات پسندیده انسانی است که بارها در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) مورد تأکید قرار گرفته است مخصوصاً وعده‌هایی که به کودکان داده می‌شود چنانچه پیامبر مکرم اسلام (ص) در این زمینه فرمود است: «أَحْبَبُوا الصَّبِيَّانَ وَ أَرْحَمُوهُنَّ فَإِذَا وَعَدْتُمُوهُنَّ فُفُوا لَهُنَّ فَإِنَّهُنَّ لَا يَرُونَّ إِلَّا أَنْكُمُ تَرُزُقُونَهُنَّ؛ کودکان را دوست بدارید و به آنها مهربانی نمایید، هرگاه به آنها وعده دادید به آن وفا کنید؛ زیرا آنها فکر می‌کنند فقط شما به آنها رزق می‌دهید.» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ۲۱۹)

امام کاظم (ع) نیز در یک بیان نورانی فرموده است: «إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فُفُوا لَهُنَّ فَإِنَّهُنَّ يَرُونَّ أَنْكُمُ الَّذِينَ تَرُزُقُونَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لِشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ؛ چون به اطفال وعده‌ای دادید وفا کنید و تخلف ننمایید؛ زیرا کودکان گمان می‌کنند شما رازق آنها هستید، خداوند برای هیچ چیز به قدر تجاوز به حقوق زنان و کودکان غضب نمی‌کند.» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ۱۳/۱۲۶) اگر والدین برای فرزندشان چیزی مورد علاقه او مثل دوچرخه و یا اسباب بازی را وعده می‌دهند، باید تلاش نمایند در زمان موعده برایش فراهم نمایند و الا اگر خُلف وعده نموده و فراهم نکنند کم کم طفل ناامیده می‌شود، از طرف دیگر آن عشق و علاقه که به آن شیء دارد همیشه به فکر آن است و در هر جا ببیند وسوسه می‌شود، در این صورت است که خودش به فکر تهیه‌ای آن می‌شود؛ لذا دست به سرقت می‌زند یا آن چیزی مورد علاقه خود را از مغازه و فروشگاه سرقت می‌کند و یا از خانه پول یا چیزی را مخفیانه برده و می‌فروشد تا شیء مورد علاقه‌اش را تهیه نماید.

وفای به وعده نسبت به کودکان از چند جهت دارای اهمیت است: یک - آنچه که از والدین درخواست نموده و آرزو کرده به آن می‌رسد به تعبیر دیگر ممکن یکی از نیازهای اساسی وی برآورده می‌شود، دو - احساساتش جریحه دار نمی‌شود چون اگر پدر و یا مادر به وعده‌اش وفا نکند کم‌کم احساسات طفل جریحه دار و از پدر و مادر ناامید می‌شود، سه - والدین بدقول شناخته نمی‌شود، چهار - مهم‌تر از همه این است که چون والدین به عنوان اولین و مهم‌ترین الگوی تربیتی برای طفل است؛ لذا خصلت وفای به عهد را یاد می‌گیرد و درست تربیت می‌شود.

۲-۵. نقش محیط تعلیم و تربیت در بازدارندگی از جرایم مالی اطفال

پس از محیط خانواده مدرسه دومین محیطی است که اطفال با آن سروکار دارند. محیط مدرسه بر خلاف محیط خانواده که طفل با افراد معدودی همچون پدر، مادر، برادران، خواهران و اعضای خانواده ارتباط داشته‌اند، با اطفال دیگری ارتباط برقرار می‌کنند که از خانواده‌های مختلف با فرهنگ‌های مختلف هستند. در این محیط طفل باید بجای پدر و مادر از معلمان و سرپرستان مدرسه اطاعت کنند و معلم پس از والدین، مهم‌ترین الگوی اخلاقی و رفتاری برای اطفال است. این محیط اگر سالم باشد افراد سالمی تربیت می‌شوند و در جامعه مجرم کم خواهد بود و اگر این محیط فاسد شود، محلی برای رویش علف‌های هرز خواهد شد.

۲-۵-۱. نقش مدرسه در بازدارندگی

مهم‌ترین رسالت مدرسه و معلم، تعلیم مضامین دروس مختلف به دانش‌آموزان است اما به آن خلاصه نمی‌شود بلکه تربیت نیز وظیفه اصلی مدرسه و معلم می‌باشد که اگر اهمیتی بالاتر از تعلیم نداشته باشد کم‌تر از آن نخواهد بود. اطفال و دانش‌آموزان در مدرسه یاد می‌گیرند که با دیگران به چه صورتی ارتباط برقرار نموده و حقوق یکدیگر را رعایت نمایند و فعالیت‌های اجتماعی خود را چگونه انجام دهند. اکثر پدر و مادر به خاطر عدم آگاهی با افراط و یا تفریط در تربیت فرزندانشان، نمی‌توانند آنها را به طور کامل آماده ورود به جامعه کنند، بدین جهت هنوز هم ریشه‌های خودخواهی و وابستگی به دیگران در اکثر اطفال و دانش‌آموزان

وجود دارد که معلمان و مسئولان مدارس باید به تدریج شخصیت متعادلی در آنها بوجود آورند. (زراعت، ۱۳۹۱ش، ۳۶۹)

دانش آموز در شرایطی است که زمینه انحراف وی خیلی زیاد است؛ چون در مدرسه با افراد مختلف معاشرت می کند و لی تجربه انتخاب دوست مناسب را ندارد؛ لذا شدیداً نیاز به نظارت و کنترل، مشاوره و راهنمایی دارد، دوست خوب حتی از پدر و مادر نیز مؤثرتر است. اما طفل در اوایل جوانی ثبات روحی و روانی ندارد و حتی بسیاری از جوانان گرایش به هوسرانی و خوش گذرانی دارند و حتی شاد بودن نیاز جسمی و روحی آنهاست، بر همین اساس بیشتر شفته‌ی جوانانی می شوند که زمینه هوسرانی‌های کاذب و زودگذر را برایشان فراهم سازند.

فرار از مدرسه، سوء استفاده‌های جنسی، استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی و ارتکاب سرقت خطرهایی است که زمینه‌ی فروانی دارند، کافی است که دانش آموز، تحت تأثیر دوست ناباب، یک مرتبه سیگار بکشد یا مواد مخدر یا مشروبات الکلی مصرف نماید. لذت این کار، او را وادار به ادامه می کند تا دوباره لذت را تجربه کند و زمانی به خود آمده و چشم باز می کند که راه برگشتی ندارد و معتاد شده است، اینجاست که برای تهیه مواد مصرفی خویش دست به سرقت بزند و یا حتی تکدی گری نماید. (زراعت، پیشین، ۳۷۰) مدارس می توانند ضمن اجرای برنامه‌های آموزشی و درسی و فعالیتهای متنوع فوق برنامه، در رشد همه جانبه دانش آموزان اقدام نمایند. در غیر این صورت، مسئله بزهکاری نوجوانان و جوانان و بخصوص آنهاست که وضعیت خانوادگی مناسبی ندارند، روز به روز حادثتر خواهد شد. (محسنی، ۱۳۷۵ش، ۲۴۴)

۵-۲-۲. نقش معلم در بازدارندگی

یکی از کسانیکه در شکل گیری شخصیت طفل نقش مهم و اساسی دارد معلم است؛ زیرا یک معلم از یکسو، باروش تربیتی خاص در جهت تعلیم و تربیت دانش آموزان اقدام می کند و از سوی دیگر، به عنوان الگوی آنان مطرح می باشد. یک معلم آگاه می تواند یک جنایتکار بالقوه را به یک انسان سالم که مایه خیر و برکت در

جامعه است تبدیل نماید. تجربه‌ها و خاطرات دوران تحصیلی، به ویژه دوران دبستان و راهنمایی می‌تواند طفل را به یک جنایتکار تبدیل کند.

اکثر انحرافات که در محیط مدرسه اتفاق می‌افتد ناشی از سوء مدیریت مدیران و رفتار ناشایست معلمان است، بسیاری از سوء مدیریت‌ها ناشی از بکارگیری مدیران و معلمان ناصالح است. (زراعت، ۱۳۹۱ش، ۳۷۱) برای تربیت سالم دانش‌آموزان و پیشگیری از انحرافات لازم است مدیران و معلمان دانشمند، صالح، با تجربه و دلسوز را استخدام کرد و در انتخاب و گزینش آنها دقت کافی نمود. بهداشت روانی مستخدمان مدرسه فوق العاده مهم و کاربردی است، اگر معلم شخصیت کاملی نداشته باشد افراد صالحی را تحویل جامعه نخواهد داد؛ زیرا معلم الگوی مهم برای دانش‌آموزان است و رفتار وی تأثیر مهم در نوجوانان دارد.

۳-۵. نقش دادگاه در بازدارندگی

تصمیمات دادگاه در مورد اطفال بزهکار و پیشگیری از ارتکاب جرایم بخصوص جرایم مالی که تحت عنوان اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود. یکی از مصادیق اقدامات تأمینی و تربیتی تأدیب طفل بزهکار است، اما تأدیب اطفال غیر ممیز و خردسال که توان درک و فهم درستی و نادرستی کارها و اعمال خویش را ندارند جایز نیست. (حسینی خواه، ۱۳۸۹ش، ۱۷۰) چنانچه برخی از فقها آنها را از مصادیق ظلم دانسته و تصریح نموده‌اند: «تردیدی نیست که زدن طفل غیر ممیز از مصادیق ظلم است؛ و زدن چنین اطفالی از نظر عقل جایز نیست؛ و فرقی نمی‌کند که زننده، پدر طفل باشد یا شخص دیگر؛ چرا که طفل غیر ممیز نمی‌داند که زدن او به خاطر ادب شدن است، و او قادر به تشخیص عناوین نیک و ناپسند نیست و بر زدن وی، هیچ چیزی جز اذیت و آزار مترتب نخواهد بود؛ پس تأدیب و زدن او جایز نیست.» (کلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ۲۸۱۲)

به طور کلی تأدیب اطفال ممیز در برخی موارد از جمله به خاطر ارتکاب جرایمی که اگر فرد بالغ عاقل مرتکب شود، موجب حد یا تعزیر می‌باشد مانند سرقت و کلاهبرداری، این نوع از تأدیب که از آن به عنوان تعزیر یاد می‌شود، وظیفه حاکم

شرع و دادگاه صالح می‌باشد، مورد توافق فقهای اسلامی اعم از امامیه و اهل سنت است. (انصاری، ۱۳۹۲، ش، ۴۳۲) به اجماع نظر فقهای امامیه (سبزواری، ۱۴۱۳، ق، ۳۵/۲۸) و فقهای اهل سنت (کاسانی، ۱۴۰۶، ق، ۱۸۲/۳ و ۴۵/۶) حاکم شرع، پدر و جد پدی می‌توانند در جای که مصلحت اقتضا کند طفل بزهکار را تأدیب و تنبیه بدنی نمایند. اما اختلافی که هست در کمیت تأدیب است. (وزیری، ۱۳۸۷، ش، ۳۳۲)

قوانین جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از منابع اسلامی و بارویکرد فقه امامیه است، قانون‌گذار در ماده ۸۸ تا ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات طفل بزهکار در جرایم حدی و تعزیری و قصاص را مفصل بیان کرده است. چنانچه در بند الف ماده ۸۸ در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، چنین مقرر نموده است: «تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان...» و در تبصره ۲ همان ماده در مورد شخص نابالغ که مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد چنین مقرر شده است: «(اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج.»

۶. نتیجه گیری

مسئله بزهکاری اطفال و نوجوانان از جمله مسائل بغرنج اجتماعی است که دنیای امروز را به شدت نسبت به خود مشغول کرده است. پیچیدگی عوامل موثر در پدیده بزهکاری سبب شده است که هر گروه از محققان آن را از دیدگاه خاص بررسی نمایند. روانشناسان و روانپزشکان از دیدگاه روانشناختی، حقوق دانان از دیدگاه جرم‌شناسی، پزشکان و زیست‌شناسان از نظر عوامل موثر زیستی و بالاخره جامعه‌شناسان از دید آسیب‌شناسی اجتماعی.

عوامل همچون نابسامانی‌های خانواده به خصوص اختلاف والدین، از دست دادن والدین، عدم محبت در خانه، دوستان ناباب و الگوپذیری از افراد ناسالم و

همچنین مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی می‌تواند هر یک در ظهور و بروز جرایم و تخلفات مالی اطفال و نوجوانان امروز در جامعه نقش مهم و اساسی داشته باشد. از طرفی هم نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که عوامل همچون محیط خانواده و اولیاء، محیط مدرسه و معلم که نقش تعلیم و تربیت را دارند و نیز تصمیمات دادگاه با اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی در راستای جلوگیری و کاهش بزهکاری اطفال بخصوص جرایم مالی نقش مهم و اساسی را دارند. با توجه به آنچه گفته شد انتظار می‌رود خانواده‌ها و مربیان با جلب نظر جرم‌شناسان، روان‌شناسان و متخصصان و حقوقدانان و با همکاری نهاد حکومتی برای جلوگیری از بزهکاری اطفال بخصوص جرایم مالی با انضباط و مدیریت و برنامه ریزی اصولی گام‌های بلندی در این عرصه برداشته شود؛ چراکه بهسازی محیط آلوده بهترین درمان بزهکاری و اعتلای سطح فرهنگی و اخلاقی مردم مهمترین عامل بازدارنده از وقوع جرم بخصوص نسبت به اطفال است.

۷. منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۵، روش‌های تربیت، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ اول.
۲. امینی، ابراهیم، ۱۳۶۸، آئین تربیت، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ دوازدهم.
۳. انصاری، مسعود، محمدعلی طاهری، ۱۳۸۴، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات محراب فکر، چاپ اول.
۴. انوری، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۷، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ نوزدهم.
۶. حسینی خواه، سید جواد، ۱۳۸۹، تنبیه بدنی کودکان در نظام بین الملل حقوق

- بشر و فقه امامیه، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول.
۷. حسینی، سید اکبر، ۱۳۸۲، نوجوان امروز (شناخت و تربیت)، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ اول.
۸. دانش، تاج زمان، ۱۳۸۱، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟، تهران، انتشارات کیهان، چاپ نهم.
۹. دشتی، آرش، ۱۳۹۶، مشروعیت مال در جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، چاپ اول.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۲، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول.
۱۲. رحمانی، علی جان، ۱۳۹۴، مشکلات فکری جوانان، قم، انتشارات مشهور، چاپ اول.
۱۳. زراعت، عباس، ۱۳۹۱، درآمدی بر علوم جنایی، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، چاپ اول.
۱۴. سارو خانی، محمد علی، ۱۳۷۰، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، چاپ اول.
۱۵. سبزواری، سید عبد الأعلى، ۱۴۱۳، مهذب الأحكام، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم - ایران، چهارم.
۱۶. سیاح، احمد، ۱۳۶۷، فرهنگ جامع نوین عربی، تهران: کتابفروشی اسلام.
۱۷. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۳، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوازدهم.
۱۸. شیرازی، قدرت الله انصاری، ۱۴۲۹، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم - ایران، چاپ اول.
۱۹. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲، مکارم الأخلاق، قم، چاپ چهارم.
۲۰. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، چاپ

دوم.

۲۱. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.

۲۲. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، چاپ اول.

۲۳. عبادی، شیرین، ۱۳۷۵، حقوق کودک، انتشارات کانون، چاپ چهارم.

۲۴. عباسی، مجتبی، ۱۳۹۴، بزهکاری اطفال، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.

۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، تفسیر العیاشی، تهران، چاپ اول.

۲۶. فولادی، محمد، ۱۳۸۲، بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مربوط با سرقت در میان جوانان شهر قم، استانداری قم.

۲۷. فیض کاشانی، محمد حسن، ۱۴۲۵، الشافی فی العقائد والأخلاق والأحكام، دار نشر اللوح المحفوظ، تهران - ایران، چاپ اول.

۲۸. فیض، علیرضا، ۱۳۶۸، مقارنه و تطبیق در جزای عمومی اسلام، انتشارات و تبلیغات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

۲۹. قرشی، علی اکبر، ۱۳۶۱، قاموس قرآن، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت(ع)، تهران.

۳۰. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۶، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، چاپ دوم.

۳۱. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۹۷، فضائل الأشهر الثلاثة، کتابفروشی داوری، قم - ایران، چاپ اول.

۳۲. کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰، کنز الفوائد، ایران؛ قم، چاپ اول.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ چهارم.

۳۴. کاسانی، الحنفی، ۱۴۰۶، علاء الدین، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.

۳۵. کی‌نیا، مهدی، ۱۳۸۴، مبانی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
۳۶. گلیایگانی، سید محمد رضا موسوی، ۱۴۱۲، الدر المنضود فی أحكام الحدود، دار القرآن الکریم، قم، ایران، اول.
۳۷. محسنی، فرید، ۱۳۷۵، جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۳۸. محسنی، منوچهر، ۱۳۷۵، جامعه‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات طهوری.
۳۹. مرادی، علی، ۱۳۸۷، بررسی عوامل مؤثر بر سرقت نوجوانان شهر کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۴۰. مصطفی، ابراهیم و دیگران، ۱۴۱۰، المعجم الوسیط، انتشارات دارالدعوة، استانبول- ترکیه.
۴۱. مظلومان، رضا، ۱۳۵۳، جامعه‌شناسی کیفری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۴۲. معظمی، شهلا، ۱۳۹۱، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ هفتم.
۴۳. معین، محمد، ۱۳۸۳، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و یکم.
۴۴. مهدیخان، زهرا، ۱۳۸۲، والدین خود خواه، فرزندان رها شده، تهران: انتشارات پیکان، چاپ اول.
۴۵. میر خلیلی، سید محمود، ۱۳۹۴، حقوق کیفری عمومی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول.
۴۶. نجف‌آبادی، حسین علی منتظری، ۱۴۲۷، معارف و احکام بانوان، انتشارات مبارک، قم - ایران، چاپ دوم.
۴۷. نجفی توانا، علی، ۱۳۸۴، نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات شاپک، چاپ سوم.
۴۸. نور بها، رضا، ۱۳۸۴، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش،

چاپ چهاردهم.

۴۹. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،

مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت - لبنان، چاپ اول.

۵۰. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة،

تهران، چاپ چهارم.

۵۱. وزیری، مجید، ۱۳۸۷، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام، تهران: انتشارات

سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم.

